گزارش روز

دولت ۲۰۰ میلیون دلار بابت غرامت هواپیما و سایر خسارت‌ها پرداخت می‌کند؟

سهم ۲۶ میلیون دلاری قربانیان از غرامت هواپیمای اوکراینی

● **شرق:** در آستانه سالگرد حادثه هواپیمای اوکراینی دولت مبانی حقوقی، میزان خسارات و زمینه پرداخت خسارات جان‌باختگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراین را تعیین کرد. بر اساس مصوبه هیئت دولت غرامت هر قربانی ۱۵۰ هزار دلار در نظر گرفته شده که با توجه به ۱۷۶ جان‌باخته این حادثه دولت باید ۲۶میلیون‌و ۴۰۰ هزار دلار بابت غرامت به خانواده قربانیان پرداخت کند.به گزارش «شرق»، پیش از ارائه لایحه بودجه ۱۴۰۰ به مجلس، دولت پیش‌بینی کرده بود که ۲۰۰ میلیون یورو از منابع صندوق توسعه به‌منظور پرداخت غرامت هواپیمای اوکراینی برداشت شود. به‌این‌ترتیب عدد کلی غرامت این حادثه به نظر می‌آید همان ۲۰۰ میلیون یورو باشد.تبدیل ۲۰۰ میلیون یورو با نرخ برابری (۱،۲۲۹) به دلار رقمی معادل ۲۴۵ میلیون دلار خواهد بود. به‌این‌ترتیب از کل مبلغ خسارت در نظر گرفته‌شده، سهم خانواده قربانیان در مجموع ۲۶ میلیون دلار است و با کسر سهم غرامت قربانیان حادثه مشخص می‌شود که دولت باید بیش از ۲۰۰ میلیون دلار نیز بابت غرامت هواپیمای اوکراینی و سایر خسارت‌ها پرداخت کند.این رقم پیش‌بینی‌شده درحالی است که در همان زمان حادثه برآوردهای بیمه مرکزی از میزان خسارت از این حکایت داشت که هواپیمای بوئینگ نو مدل ۷۳۷ -۸۰۰ حدود ۱۰۰ میلیون دلار ارزش دارد ولی هواپیمای اوکراینی تقریبا سه سال کار کرده بود و ارزش آن حدود ۷۰ میلیون دلار اعلام شد که در این حالت خسارتی که باید بابت بدنه این هواپیما پرداخت می‌شد، به ۷۰ میلیون دلار می‌رسید. بنابراین مشخص نیست با توجه به اینکه مجموع خسارت هواپیما و قربانیان حدود ۱۰۰ میلیون دلار برآورد شده بود، چرا دولت برداشت ۲۰۰ میلیون یورو از صندوق توسعه را پیش‌بینی کرده بود.اما درخصوص محل تأمین این اعتبار، همان‌طورکه اشاره شد، دولت پیش از ارائه سند لایحه بودجه به مجلس پیش‌بینی کرده بود که این رقم از صندوق توسعه ملی برداشت شود اما در زمان ارائه لایحه بودجه نظر دولت تغییر کرد و نهایتا برداشت غرامت هواپیمای اوکراینی از صندوق توسعه حذف شد.حال هیئت وزیران در جلسه روز گذشته خود مبانی حقوقی، میزان خسارات و زمینه پرداخت خسارات جان‌باختگان حادثه سقوط هواپیمای اوکراین را تصویب کردند اما به‌جز رقم ۱۵۰ هزار دلار غرامت هر قربانی، جزئیات دیگری منتشر نشده است.از این رو «شرق» در گفت‌وگو با هادی حق‌شناس، کارشناس مسائل اقتصادی، محل تأمین اعتبار احتمالی این غرامت‌ها را بررسی کرد. حق‌شناس دراین‌باره گفت: ایران منابع زیادی خارج از کشور دارد. تنها دو عدد از منابع بلوکه‌شده که در یک ماه گذشته رسانه‌ای شد، بالغ بر ۱۶ میلیارد دلار است؛ شش میلیارد دلار طلب شرکت ملی گاز ایران از عراق و ۱۰ میلیارد دلار منابع بلوکه‌شده در کره جنوبی.بنابراین ذخایر ارزی کشور تماما در داخل کشور نگهداری نمی‌شود و بخش قابل‌اعتنایی از آن در بانک‌هایی در خارج از کشور مانده است. البته این بانک‌ها مورد اعتماد هستند؛ چراکه اگر در اختیار بانک‌های آمریکایی و وابسته به آمریکا باشد، به تعبیر رئیس‌جمهور منابع را راهزنی کرده و به ایران پس نمی‌دهند.بنابراین ایران ذخایر شایان‌توجهی در خارج از کشور دارد. اگر قرار باشد پولی بابت مصارفی اعم از خرید واکسن یا غرامت پرداخت کنیم، این منابع قابل استفاده خواهد بود.کشور به لحاظ منابع بسیار غنی است. اگرچه در سه سال گذشته تحریم‌های ظالمانه منجر به این شد که با محدودیت‌های نقل‌وانتقال مواجه شویم و در خلق ثروت دچار مشکل شویم. ولی اینها دلیل بر این نیست که منابع ارزی نداریم. اگر دولت این عدد را مصوب کرده باشد، قطعا راهکاری برای پرداخت این غرامت دارد.گفتنی است حادثه هواپیمای اوکراینی ۱۸ دی سال ۱۳۹۸ بر اثر خطای انسانی و اصابت موشک به این هواپیما اتفاق افتاد. این هواپیما یک فروند هواپیمای مسافربری بوئینگ ۷۳۷-۸۰۰ متعلق به شرکت هواپیمایی اوکراین بود و ۱۷۶ مسافر و خدمه داشت که اکثر آنها ایرانی بوده و درحال ترک تهران به مقصد کی‌یف بودند.از همان ابتدا موضوع پرداخت خسارت به این هواپیمای اوکراینی مورد توجه بود که به چه نحوی و از چه محلی و از سوی چه سازمان و نهادی باید پرداخت شود. اول بحث شرکت‌های بیمه مطرح بود ولی در همان زمان مسئولان بیمه مرکزی به ایسنا اعلام کردند که این غرامت از سوی دولت ایران پرداخت شده و شرکت‌های بیمه در آن سهمی ندارند. تأکید بیمه مرکزی بر این بود که اگر این هواپیما سقوط کرده بود، آن‌گاه شرکت‌های بیمه ورود می‌کردند اما با توجه به اینکه شرکت‌های بیمه اوکراینی هواپیما را بیمه کرده بودند، مسئولیت پرداخت خسارت برعهده آنهاست که بعد از پرداخت آن را از بیمه‌های اتکایی خود دریافت می‌کنند ولی شرایط متفاوت بوده و با توجه به اینکه هواپیما ساقط شده، باید دولت ایران این خسارت را پرداخت کند.

یک کارشناس خودرو در واکنش به قیمت‌گذاری ۱۷ خودرو بر اساس فرمول جدید اعلام کرد

مالباختگان صنعت خودروسازی

شرق: شورای رقابت اعلام کرده است قیمت‌گذاری ۱۷ مدل خودرو بر اساس فرمول جدید انجام خواهد شد؛ فرمولی که بدون شک با اصلاحاتی که روی آن انجام شده، منجر به افزایش قیمت خودرو در کارخانه می‌شود. اما فربد زاوه، کارشناس خودرو، به «شرق» می‌گوید هیچ کالایی با قیمت‌گذاری دستوری بازارش تنظیم نمی‌شود. به اعتقاد زاوه، زیان انباشته صنعت خودرو به ۱۶۰ هزار میلیارد تومان رسیده که معادل سه سال تولید کشور است و با توجه به تعداد قطعه‌سازان، افراد ثبت‌نام‌کرده برای خودرو، سرمایه‌های بانکی ازبین‌رفته و... (در مقابل ۱۲ هزار مال‌باخته مؤسسات مالی)، سیلابی ایجاد می‌شود. امیرحسن کاکایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت نیز نگران عدم تصمیم‌گیری قطعی درباره قیمت خودرو است. البته او به «شرق» می‌گوید: با توجه به ثبات نرخ ارز، در صورت افزایش قیمت خودرو از سوی شورای رقابت، قیمت‌ها در بازار تکان نمی‌خورد.شورای رقابت قصد دارد ۱۷ مدل خودرو را با فرمول جدید قیمت‌گذاری کند. بر اساس گزارش ایرنا، رضا شیوا، رئیس شورای رقابت می‌گوید: با تصمیم‌های اتخاذشده قرار نیست آزادسازی قیمت انجام شود، بلکه خودروها تقسیم‌بندی شده و قیمت بخشی از خودروهای پرتیراژ به نحوی که برای عموم مردم به‌صرفه هستند، بر اساس فرمول قبلی محاسبه می‌شود.به گفته او، مطابق برنامه‌ریزی خودروسازان، ۵۵ درصد ظرفیت تولید به خودروهای اقتصادی و تیراژ بالا که قیمت پایین‌تری دارند، اختصاص داده می‌شود که از دستورالعمل گذشته شورای رقابت، یعنی سقف قیمتی، تبعیت می‌کنند و خودروهای جدید و ویژه‌تر که ۴۵ درصد تیراژ را تشکیل می‌دهند، از دستورالعمل جدید تبعیت خواهند کرد.

بر پایه اعلام رئیس شورای رقابت، خودروهای پژو ۲۰۷ اتوماتیک (هاچ‌بک)، پژو ۲۰۷ پانوراما دستی (هاچ‌بک)، سمند سورن‌پلاس، رانا‌پلاس با موتور EC5، رانا‌پلاس با موتور TU5، دنا‌پلاس توربوشارژ دستی، دنا‌پلاس توربوشارژ اتوماتیک، هایماتوربو S5 دستی، هایماتوربو S7 اتوماتیک، K131، ساینا s، کوئیک، شاهین، آریا، برلیانس، چانگان و زوته مشمول فرمول جدید می‌شوند و شورای رقابت سه ماه یک بار قیمت‌ها را بازبینی خواهد کرد.

قیمت سرکوب‌شده راه به جایی نمی‌برد

آیا این فرمول جدید به مفهوم صدور مجوز افزایش قیمت خودرو در بازار و آزادسازی قیمت‌ها نیست؟ فربد زاوه، کارشناس خودرو، در گفت‌وگو با «شرق» بیان می‌کند: اهمیتی ندارد قیمت خودرو را آزادسازی یا سرکوب کنند.

او ادامه می‌دهد: بارها دیده‌اید که به‌هیچ‌عنوان قیمت سرکوب‌شده در هیچ کالایی از دان مرغ بگیرید تا خودرو یا هر چیز دیگر، مانع بروز تورم در بازار نشده است. تورم را با قیمت نمی‌شود کنترل کرد و این را همه اقتصاددان‌های جهان قبول دارند.این کارشناس خودرو عنوان می‌کند: اینکه بگوییم فرمول گذاشته و قیمت را با آن کنترل می‌کنیم، فقط جنبه پروپاگاندای دولتی دارد که اثرش منفی است.او ادامه می‌دهد: درحال‌حاضر قیمت‌گذاری شورا درباره مدل‌هایی مثل کوئیک آر، کوئیک اس و... بالاتر از بازار است. مگر قیمت

عکس: فاطمه هاشمی، میزان

کارخانه چری ۲۰ درصد بالاتر از قیمت بازار نیست؟ این نشان می‌دهد که اصلا مهم نیست در مبدأ کارخانه چه قیمتی را اعلام می‌کنید، نهایتا بازار درباره قیمت محصول متناسب با قدرت خرید، محبوبیت، مطلوبیت کالا و میزان عرضه تصمیم می‌گیرد.

فضای غیرشفاف تقاضای جدید ایجاد می‌کند

زاوه تأکید می‌کند: هرچه فضا را آشفته‌تر و غیرشفاف‌تر کنید، فقط باعث می‌شود تقاضای جدیدی ایجاد شود؛ چون نمی‌توانید به این تقاضا پاسخ دهید، محاسبات غلط می‌کنید.او بیان می‌کند: نه پراید ۳۰میلیون‌تومانی شورای رقابت مانع از پراید ۱۶۰میلیون‌تومانی در بازار شد و نه این فرمول‌های شورا باعث می‌شود پراید ۹۰ میلیون تومان شود.

این کارشناس خودرو می‌گوید: کاری که شورای رقابت می‌کند، چیزی جز ادامه تخریب سرمایه اجتماعی و تعمیق فساد نیست. اصراری که از مرحوم پژویان شروع شد و شیوا این راه را ادامه داد، شرایط را به جایی رسانده که صنعت خودروی ایران بیش از چهار تا پنج برابر اعداد فروشش منفی است.او ادامه می‌دهد: این سیلاب سرمایه‌ای که از بین رفته است، نه‌فقط خودروسازی بلکه اقتصاد ایران را دربر می‌گیرد. در مؤسسات مالی و اعتباری فقط ۱۲ هزار مال‌باخته داشتیم، اما درحال‌حاضر یک شبکه عظیم قطعه‌سازی داریم که به گفته یکی ۷۰۰ شرکت است، به گفته دیگری هزارو ۵۰۰ شرکت و فرد دیگری از وجود ۴۰۰ شرکت خبر می‌دهد. یک شبکه بانکی داریم که حدود ۵۵ تا ۶۰ هزار میلیارد از سرمایه‌اش را از بین برده‌ایم و بیش از یک میلیون نفر آدمی که ثبت‌نام کرده‌اند، سیلابی است که آقایان درست کردند.

۱۶۰ هزار میلیارد تومان سرمایه از دست رفته

زاوه می‌گوید: حالا هرچقدر بگویند مسائل صنعت خودرو کار دلالان و... بوده، واقعیت این است که ۱۶۰ هزار میلیارد تومان پول از بین رفته است.او تأکید می‌کند: بر اساس آمار تولید، حتی اگر هر ماشین تولیدشده را صد میلیون تومان گران‌تر بفروشند (که این میزان گران‌فروشی شدنی نیست)، رقم زیان معادل سه سال تولید کشور است. این زیانی که ایجاد شده است، جبران‌پذیر نیست. در این شرایط به‌جای اینکه از شرایط بدی که در کشور ایجاد کردند، دست بردارند، در این آتش نفت می‌ریزند و شرایط را بدتر می‌کنند.

رونمایی از فرمول به‌روزشده قیمت خودرو

به نظر می‌رسد فرمولی که شورای رقابت از آن رونمایی کرده، مجوزی است برای آزادسازی قیمت خودرو؛ اما امیرحسن کاکایی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت، در گفت‌وگو با «شرق» عنوان می‌کند: قرار بود قیمت ۴۵ درصد تولیدات داخل که ۱۸ مدل آن اعلام شد، از سوی بازار یا بورس آزاد بشود.او ادامه می‌دهد: روش مجلس آزادسازی از طریق بورس بود و روش وزارت صمت یک‌جور قیمت‌گذاری در حاشیه بازار. ما منتظر بودیم نتایج آن مذاکرات بیرون بیاید که روز سه‌شنبه آقای شیوا اعلام کردند ما نمی‌گذاریم قیمت‌ها را جایی ببرید. ما به این مسائل رسیدگی می‌کنیم و در نتیجه فرمول‌هایشان را به‌روز کردند.کاکایی می‌گوید: روز سه‌شنبه فرمول به‌روزشده را برای ۴۵ درصد تولیدات داخل رونمایی کردند که طبیعتا قیمتش بالاتر از قیمت محاسبه‌شده با فرمول قبلی است تا زیان خودروسازان کمتر شود، ولی به صفر نمی‌رسد؛ اما تب‌سنج قیمت در خودروسازی‌ها حتما بالاتر می‌رود.

او اضافه می‌کند: پیش‌بینی‌ها این است که وقتی قیمت‌ها را منطقی‌تر کنیم، تعداد سرمایه‌گذاران به خاطر کاهش حاشیه سود کم می‌شود و در نتیجه قیمت‌ها در بازار متعادل‌تر شده و پایین می‌آید.

وجود ۲ نوع قیمت در بازار

این عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت بیان می‌کند: دو نوع قیمت داریم؛ یکی قیمت خرید از خودروسازی‌ها که باید در یک صف لاتاری بایستیم و اگر شانس بیاوریم خودرو به ما می‌رسد و قیمت دیگر، نرخی است که مصرف‌کننده واقعی وقتی نیاز به خودرو دارد از بازار خرید می‌کند.او اضافه می‌کند: مثلا در یک مدل خودرو، قیمت کارخانه صد میلیون تومان است و نرخ بازار آن ۳۰۰ میلیون تومان. حالا در روش جدید شورای رقابت، قیمت خودروی صدمیلیونی، تبدیل به ۱۵۰ میلیون تومان می‌شود. اگرچه قیمت بالا می‌رود، ولی باز هم حاشیه بازار دارد.به گفته کاکایی، با توجه به اینکه اعلام شده قرار است تیراژ هم بالا برود، قیمت بازار با افزایش عرضه کاهش خواهد یافت. او می‌گوید: سه ماه است که هر هفته یا دو هفته یک بار، از مجلس یا از دولت خبری درباره قیمت‌گذاری خودرو می‌شنویم و الان هم شورای رقابت به آن اضافه شده است.این عضو هیئت‌علمی دانشگاه علم و صنعت ادامه می‌دهد: متأسفانه در این رابطه تصمیم‌گیری قطعی نمی‌شود. من حدس می‌زنم تعیین قیمت با این فرمول یکی، دو هفته طول بکشد؛ زیرا یک‌سری اعداد مبنا دارند که باید از بانک مرکزی بیاید. بعد به بهمن و اسفند می‌خوریم و به نظر می‌رسد خیلی هم ماجرا جدی نیست.او یادآور می‌شود: از ۱۰ روز مانده به انتخابات آمریکا نرخ دلار که افسارگسیخته افزایش می‌یافت و به بالای ۳۰ هزار تومان رسیده بود، تعدیل شد و به نزدیک ۲۵ هزار تومان آمد. از آن زمان نرخ خیلی چیزها ازجمله خودرو کاهش یافته است.به گفته کاکایی، درحال‌حاضر قیمت بسیاری از خودروهای داخلی بین ۲۰ تا ۴۰ درصد افت کرده است و خودروهای خارجی هم بعضا بیشتر از ۴۰ درصد افت قیمت داشته‌اند. اگر نرخ ارز ثابت بماند، بهای خودرو بالا نخواهد رفت؛ حتی اگر شورای رقابت قیمت را مقداری بالا بکشد.

چگونگی اصلاح بودجه

ابوالفضل گرمابی . کارشناس اقتصادی

مجلس در حالی به سراغ بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۰ می‌رود که گویا با تصویب «قانون اصلاح ساختار بودجه» سعی در بهبود عملیات جذب منابع و تخصیص مصارف دارد؛ اما دستورکار «اصلاح ساختار بودجه» باید به مصاف لایحه‌ای برود که بنا بر نظر بسیاری از تحلیلگران سرشار از خیال‌پردازی و نبود شفافیت است. چالش کسری تراز عملیاتی ۳۰۰ تریلیون‌تومانی و پیش‌بینی صادرات روزانه حدود ۲،۳ میلیون بشکه نفت در روز در کنار برنامه‌ریزی برای فروش ۷۰ تریلیون تومان اوراق سلف نفتی برای جبران کسری مزبور، ازجمله نکات شگفتی است که برخی را واداشته که به طور ضمنی پیشنهاد رد کلیات بودجه را بدهند. اینکه نتیجه گذراندن لایحه بودجه ۱۴۰۰ از فیلتر برنامه اصلاح ساختار چه خواهد بود، چندان پیش‌بینی‌ناپذیر نیست؛ اما آنچه اهمیت دارد، تحلیل و نقد نگرش طراحان آن برنامه در مجلس و دولت و اشراف بر عملکرد ساختاری است که هرگز تن به اصلاحی از آن نوع که جامعه انتظار دارد، نمی‌دهد.در مواجهه با لایحه بودجه ۱۴۰۰ انتقادات زیادی مطرح شده؛ اما کسری بودجه و حواشی‌اش آن چیزی است که هر دو طیف منتقدان منتسب به نئولیبرال داخلی و طیف نهادگرا نشانه گرفته‌اند. دراین‌میان آنچه به آن توجه نمی‌شود، طرح موضوع در قالب یک چارچوب منسجم اقتصاد سیاسی است؛ چارچوبی که تنها با شناخت نهاد دولت به‌عنوان یک مؤلفه مکمل در فرایند پویای انباشت سرمایه ممکن می‌شود. به‌تصویرکشیدن بحران کسری بودجه مانند پدیده‌ای خاص و متأثر از ناکارآمدی مقطعی سیستم جذب منابع نفتی و مالیاتی و هم‌زمان با اشاره به مصارف بی‌حساب دولت، ارائه راه‌حل‌هایی خنثی از نوع راه‌حل‌های مندرج در «قانون اصلاح ساختار بودجه» را در پی دارد. مسلما این امر که نبود شفافیت و نابهینگی در جذب منابع نفتی و مالیاتی بودجه دولت ایران محصول مستقیم فرار تعمدی از شفافیت مالی، تقویت بازوهای اقتصادی پرقدرت نهادهای عمومی و تاریک‌خانه «دورزدن تحریم‌ها» است، حتی از نظر تدوین‌کنندگان «قانون اصلاح ساختار بودجه»، آن‌قدرها دور نیست که گمان کنند برنامه اصلاح ساختار واقعا قرار است راه به جایی ببرد؛ ولی فایده مهم پرداختن مکرر و بی‌نتیجه به مسئله کسری بودجه، بدون شناخت نهاد دولت به‌عنوان عنصری مکمل در فرایند پویای گردش سرمایه و درک جایگاه آن در منطق جهانی سرمایه، می‌تواند دورکردن اذهان جامعه از تأمل درباره «راه‌حل قطعی» باشد. این رفتار بی‌شک به تکرار نسخه‌هایی خنثی مانند «اقتصاد بدون نفت» یا «برنامه‌های بی‌نتیجه توسعه» می‌انجامد؛ بنابراین برای غلبه بر این مسئله، کسری بودجه را باید به‌عنوان سمپتوم بیماری بزرگ اقتصاد سیاسی و نه به‌عنوان بیماری اصلی، تحلیل کرد.به طور کلی پدیده بودجه‌ریزی را باید ذیل مفهوم بلوغ نهاد «دولت مدرن» و تکامل کارکردهای آن برای پیشبرد مراحل انباشت سرمایه، بررسی کرد. این کارکردها بسته به پیشرفت نیروهای تولید سرزمینی و مناسبات حاکم بر شیوه تولید، به درجات متفاوتی از رشد می‌رسند. کارکردهای دولت را می‌توان در ایفای دو نقش اصلی در فرایند انباشت سرمایه تحلیل کرد. نخستین نقش دولت، تکمیل زنجیره «توزیع اولیه» درآمد ملی یا همان «اضافه ارزش» تولیدشده کل اقتصاد بین نیروی‌های مولد و صاحبان سرمایه از طریق استخراج و مدیریت منابع طبیعی مانند نفت و معادن است. این نقش را باید نقشی مکمل در فرایند گردش و انباشت سرمایه دانست. نقش دوم و مهم‌تر دولت «بازتوزیع» درآمد ملی با دو ابزار «تورم» و «بودجه‌ریزی» است. مثلا پس از توزیع اولیه درآمد ملی بین دستمزد و سهم ارزش اضافی (سود سرمایه، سود بازرگانی، بهره مالی و بهره زمین)، ابزار تورم از طریق نهادهای سیاست‌گذار پولی و مالی دولت به کمک صاحبان سرمایه می‌آید تا آنها به پشتوانه مالکیت دارایی و ابزار تولید، سهم بیشتری از درآمد ملی را به نفع خود مصادره کنند. بودجه‌ریزی سالانه نیز به‌عنوان ابزار دوم و البته اصلی دولت در «بازتوزیع» درآمد ملی، موجب هدایت سهم بزرگی از درآمد ملی به سمت دستگاه عظیم بوروکراتیک حاکمیتی با استفاده از اهرم مالیات می‌شود. از طرف دیگر فرایند بودجه‌ریزی وظیفه تضمین منافع مالکان صاحبان صنایعی را برعهده دارد که به دلایلی مختلف در تجمیع سهم خود از اضافه ارزش با مشکل مواجه شده‌اند. حفظ منافع صاحبان صنایع بسته به درجه نفوذ آنها از طریق ایجاد زمینه سفته‌بازی و کسب سود از کانال دارایی‌های مالی یا سهمیه‌بندی و هدایت اعتبارات و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای حاصل می‌شود. فرایند بودجه‌ریزی زمانی قدرت بیشتری می‌گیرد که با تکامل و تقویت نهاد دولت بخش بزرگی از وظیفه تکمیل «توزیع اولیه» یا همان هدایت منابع طبیعی نفتی و معدنی نیز با اهرم قوانین، از این کانال انجام شود. شکل‌گیری شیوه نوین بودجه‌ریزی بر مبنای GFS (نظام آمارهای مالی دولت) و طبقه‌بندی منابع و مصارف دولت را نیز باید در ادامه تلاش‌ها برای تدقیق و بهینه‌سازی بیشتر دو کارکرد اصلی تکمیل فرایند «توزیع اولیه» درآمد ملی و «بازتوزیع» آن دانست.بنابراین چنانچه بن‌بست بورژوازی ایرانی در تصاحب و نقدکردن ارزش اضافی صنعتی و کشاورزی (به دلایلی مانند بهره‌وری پایین سرمایه فیزیکی و انسانی، استهلاک بالای زیرساخت‌ها، فرسایش نیروی کار شاغل) و همچنین محدودشدن منابع سود فوق‌العاده و انحصاری نفتی (به دلیل تحریم‌ها) را بیماری چالش‌برانگیز اصلی بدانیم، موضوع کسری بودجه دولت تنها سمپتوم آن بیماری خواهد بود. از یک طرف ناتوانی دولت در تحقق درآمدهای نفتی (که به‌عنوان سود فوق‌العاده و انحصاری حاکمیتی سال‌هاست وظیفه ترمیم کاستی‌های خلق اضافه ارزش را برعهده داشته است)، نخستین کارکرد بودجه در تکمیل چرخه «توزیع اولیه» را مسدود کرده و از سوی دیگر چالش پنهان‌بودن مبادی خلق اضافه ارزش و کاهش محسوس آن در مبادی آشکار، موجب ضربه‌خوردن کارکرد «بازتوزیع» مالیاتی شده است. پررنگ‌شدن تورم به‌عنوان اصلی‌ترین مسیر بازتوزیع درآمد ملی حاصل همین فرایند است. نحوه مواجهه با این شرایط نیز در اقتصاد ایران مشابه دیگر کشورهای کانونی سرمایه‌داری و اقمار آن، از اصول مشترکی پیروی می‌کند. در ابتدا بحران رکود تورمی (که در ایران با قطع سود انحصاری منابع نفتی دولت تشدید شده است)، از مسیر کسری بودجه به بدهی تبدیل می‌شود و سپس برای مدیریت حجم بدهی‌ها نوبت به سیاست‌های ریاضتی مانند کاهش یارانه‌ها، فشار بر دستمزدها، تعدیل و اخراج کارگران و خصوصی‌سازی می‌رسد. در پایان این سیکل که بارها تکرار می‌شود، مؤلفه تورم که باید بدهی‌ها را تعدیل کند، به نیروی کار و اقشار زیردست منتقل می‌شود. به‌عنوان نمونه شکست فرایند احیاشده خلق ارزش اضافی در دوران پس از جنگ و در زمان دولت هاشمی که با کاهش قیمت نفت هم‌زمان شد و شوک ارزی و بدهی عظیم ۲۳میلیارددلاری را به همراه آورد، به تشدید کسری بودجه انجامید و تحمیل تورم افسارگسیخته و کلیدزدن پروسه خصوصی‌سازی را به همراه داشت.اگرچه این پروسه گهگاه با تغییر جایگاه و اهمیت کشورهای اقماری مانند ایران در منازعات کانون‌های سرمایه‌داری جهانی، در زنجیره تسلط بر بازارها و دستیابی به منابع طبیعی ارزان‌تر، دچار تغییرات جزئی می‌شود؛ ولی روند کلی آن تغییری نمی‌کند؛ بنابراین توصیف سال‌های اخیر اقتصاد ایران و سال ۱۴۰۰ به‌عنوان دوره‌ای یکه یا به قولی برخی نهادگرایان سقوط در وضعیتی تکینه صحیح نیست. نکته این است که ظهور و تشدید پدیده‌هایی مثل تحریم و بالارفتن قیمت ارز، خلق ارزش اضافه سرمایه‌داری ایرانی را با اخلال بیشتری روبه‌رو کرده و در نتیجه برای جبران این شکست و حفظ پروسه کنونی گردش سرمایه، وظیفه بودجه دولت در بازتوزیع درآمد ملی بیش‌ازپیش سنگین شده است؛ پس کار اصلی دولت بورژوایی با استفاده از اهرم بودجه، جلوگیری از آسیب بیشتر روند جاری تصاحب ارزش و حفظ نظم موجود است. به تعبیر فردریش انگلس: «... دولت یک محصول جامعه در مرحله معینی از تکامل است. دولت، پذیرش این امر است که این جامعه در یک تضاد حل‌ناشدنی با خود درگیر شده است... ولی برای اینکه این تناقضات، طبقات با منافع اقتصادی متضاد، خود و جامعه را در یک مبارزه بی‌ثمر به تحلیل نبرند، لازم شد که قدرتی به وجود آید تا برخوردها را تخفیف دهد و آن را در محدوده «نظم» نگه دارد».مسلما با وجود تورم بالای ۴۰ درصد نمی‌توان از کارکنان ناملود دستگاه‌های حاکمیتی توقع داشت با تخصیص‌های هزینه‌ای سابق به خرید خدمات و کالاهای صنایع بپردازند و البته نمی‌توان انتظار داشت که صنایع بزرگ بر کارکرد صنعتی (تولیدی) زیان‌ده خود بسنده کنند. بازی مالی پرسودی که با اهرم دولت حول انتشار ۱۲۵ تریلیون‌تومانی اوراق بهادار و اوراق سلف نفتی و واگذاری سهام دولتی شکل می‌گیرد، باید بخشی از نقصان در «توزیع اولیه» را جبران کند تا فرایند انباشت مسیر خود را بپیماید. بااین‌حال فشار این بازتوزیع کلان که قرار است با واگذاری‌های شدید و تشدید بدهکاری دولت و تورم سنگین‌تر در نقطه نهایی به جامعه تحمیل شود، به تشدید شرایط بحرانی ختم می‌شود. حال پرسش این است که اگر کارکرد بودجه دولت در حد نهایی خود کمک به تکمیل پروسه «توزیع اولیه» درآمد ملی و «بازتوزیع» آن به نفع صاحبان سرمایه است، چرا نباید از بورژوازی ایرانی انتظار داشت که برای حداکثرکردن منافع خویش با شعارهای جذاب «قانون اصلاح ساختار بودجه» کاملا منطبق شود؟ پاسخ این پرسش در عقب‌ماندگی مناسبات تولید و درجازدن سرمایه‌داری ایرانی نهفته است.

آخر هفته با بورس

سیگنال خریدوفروش در بورس

محمدرضا رسولی

● سیگنال‌دهی در بورس، به اعلام قیمت و زمان خاص ورود و خروج از سهام یک شرکت به سرمایه‌گذاران می‌گویند. درحال‌حاضر، کانال‌ها و سایت‌های بسیاری در فضای مجازی وجود دارند که سیگنال‌های خریدوفروش سهام را به شکل لحظه‌ای به سرمایه‌گذاران اعلام می‌کنند که کدام سهم را در چه زمانی بخرند و در چه زمانی بفروشند. بسیاری از آنها معتبر نبوده و از سازمان بورس کشور مجوز رسمی ندارند و درحال‌حاضر از وضعیت بازار سرمایه سوءاستفاده کرده و اقدام به معرفی و تشویق سرمایه‌گذاران به خرید یا فروش سهام‌هایی می‌کنند که فاقد پشتوانه علمی، تحلیلی و تخصصی است. برخی از سرمایه‌گذاران هم که به‌تازگی وارد بازار سرمایه شده‌اند، به دلیل ناآگاهی از ویژگی‌های این بازار و معیارهای ارزندگی، اسیر این تبلیغات شده و در نهایت دچار ضرر و زیان می‌شوند. اگر واژه سیگنال را در فضای مجازی جست‌وجو کنید، خواهید دید بالای سه هزار کانال و گروه به اسم سیگنال ثبت شده که این کار را بدون داشتن تخصص و مجوز لازم انجام می‌دهند. باید توجه داشت استفاده از سیگنال‌های خریدوفروش ممکن است در بعضی موارد به نفع مشاوره‌گیرنده باشد؛ اما در نهایت سهامدار را به دام معاملات اشتباه می‌اندازد. روش کار در سیگنال‌فروشی به این شکل است که شخصی با معرفی خود به‌عنوان فرد باتجربه یا استاد، تلاش می‌کند اعتماد مخاطبان را جلب کند. این شخص معمولا در دفعات ابتدایی، سیگنال‌های خرید یا فروشی ارائه می‌دهد که پیروی از آنها، موجب سود سهامدار می‌شود؛ اما پس از اعتماد مخاطب به سیگنال‌دهنده، وی سیگنال اشتباهی را در کانال یا گروه اعلام می‌کند که در جهت منافع شخصی است و در این فرایند در نهایت مشتریان یا مخاطبان وی زیان می‌کنند. طبق قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، سیگنال‌فروشی جرم است و هر شخصی که اقدامات وی منجر به ایجاد ظاهری گمراه‌کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت‌های کاذب یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود، به حبس تعزیزی تا پنج سال و جزای نقدی تا پنج برابر سودهای به‌دست‌آمده محکوم خواهد شد. شایسته است مسئولان مربوطه و نهادهای نظارتی از این ظرفیت قانونی خود برای برخورد جدی با این نوع موارد و عوامل آن در کشور که این‌چنین سرمایه مردم را به خطر می‌اندازند، استفاده کنند تا بلکه از این طریق زمینه رشد عقلانی بورس تا رسیدن به جایگاه اصلی فراهم شود.

گذر

بهبود فضای کسب و کار با توسعه فضای مجازی

● مدیرعامل نمایشگاه بین‌المللی تهران در بازدید از دومین نمایشگاه مراکز خرید، مجتمع‌های تجاری و صنایع وابسته بر حمایت مستمر از صنایع و تولیدکنندگان داخلی تأکید کرد و گفت: در شرایط قرنطینه فضای مجازی به این صنعت کمک می‌کند.حسن زمانی، مدیرعامل نمایشگاه بین‌المللی تهران، با تقدیر از رعایت سخت‌گیرانه پروتکل‌های بهداشتی در برگزاری این نمایشگاه، اظهار کرد: برگزاری نمایشگاه منطبق با بالاترین استانداردهای جهانی به‌رغم وجود محدودیت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا، بیانگر دانش و توان صنعت نمایشگاهی کشور است.همچنین شاهرخ کشاورز، مدیر دومین نمایشگاه بین‌المللی مراکز خرید و مجتمع‌های تجاری، با بیان اینکه هدف‌گذاری مجموعه برگزارکننده این بود که رویداد امسال با معیارها و استانداردهای کمی و کیفی صنعت نمایشگاهی در سطح بین‌المللی اجرا شود، مطرح کرد: توجه به پلتفرم‌های مجازی و فروش آنلاین، ایجاد فضای کسب‌وکار تخصصی و تعامل‌های بازرگانی بین ذی‌نفعان بخش‌های مختلف صنعت خرده‌فروشی، برگزاری کارگاه‌های آموزشی و انتقال تجارت مدیریتی در حوزه تاب‌آوری سازمانی در شرایط سخت اقتصادی ازجمله رویکردهای جدی نمایشگاه امسال بود.

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی

شماره مجوز ۱۳۹۹.۵۶۵۰
نوبت دوم

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل از طریق مناقصه عمومی تامین نماید:

شماره تقاضا و مناقصه	تقاضای شماره O-9940036-OK مناقصه شماره ۹۹/۰۸۶		
شرح مختصر اقلام درخواستی	خرید: اتصالات		
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال		
نوع تضمین شرکت در فرایند اجرای کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۲۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می باشد.		
مبلغ برآوردی مناقصه	۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال		
تاریخ تحویل اسناد به واجدین شرایط	۹۹/۱۱/۰۶	تاریخ کشایش پاکات فنی	۱۴۰۰/۰۱/۰۳
آخرین مهلت ارائه پیشنهادات	۹۹/۱۲/۱۶	تاریخ کشایش پاکات مالی	۱۴۰۰/۰۱/۲۴
آدرس مناقصه‌گذار	استان بوشهر، عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی،بالایشگاه دوم، ساختمان ستاد، واحد مدیریت بازرگانی، اداره خرید- تلفن:۰۷۷۳۱۳۱۲۲۷۹		

مناقصه